امیل

حجت الاسلام محمدرضا زائری
پژوهشگر دینی

کتاب مشـهور «امیل»، یکی از آثار مهم «ژان ژاک روسو»، متفکر ونویسـنده بزرگ فرانسوی قرن هجدهم (متولد ژنو)، اسـت که با همراهـی «ولتـر»، «دیدرو»، «منتسکیو» و «کانت»، تحولات بزرگ فکـری و فرهنگـی عصر روشنگری را رقم زد.

کتـاب معـروف او «قـرارداد اجتماعی» پایه‌هـای حکومت دموکراتیـک را در اروپا طرح‌ریـزی کرد و زمینه‌سـاز انقلاب فرانسـه شـد. کتاب «اعترافات» و برخی نوشـته‌های دیگر او مکتب رمانتیسـم را شـکل داد و بر ایجاد جریان جدید ادبی، اثر گذاشـت و کتاب «امیل» او شـالوده اساسـی نظام تعلیم و تربیت مدرن را بنیان نهاد.

این کتاب در زمان انتشار (۲۵۸ سال قبل) موجـب واکنش‌های گسـترده‌ای شـد و مخالفت‌های شدیدی از سوی حاکمان و اشراف در پی داشت، چنان که در زادگاهش سوزانده شد و موجب آوارگی او گردید، اما به‌زودی مخاطبان خود را یافت و شناخته شـد و پس از آن تاکنون، همواره به‌عنوان یک کتاب مهم و کلاسیک، بازنشر یافته و به زبان‌های مختلف ترجمه شده است.

روسـو کـه اندیشـمندی آرمان‌گـرا، آزادی‌خواه، عدالت‌طلب و منتقد اسـت، بسیاری از مشکلات اجتماعی را ناشی از نبود نگاه صحیح انسان و نظام مطلوب در تربیت انسـانی می‌داند و در این کتاب به تبعیت از افلاطون بر اهمیت و نقش تربیت، تاکید می‌کند و آن را هنـری والا و ارجمند بر می‌شـمارد که پایه و اسـاس سـعادت بشری است. این کتاب اثرگذار و جریان‌ساز تاریخی مانند برخی کتاب‌های مهم دیگر در پی یک پیشـنهاد و درخواست، تالیف شده بود و روسـو در ابتدا برای پاسخ دادن به خواسته بانویی، نوشتن یادداشت‌های مختصر را آغاز کـرده بود امـا در میانه کار تصمیم گرفت چیزی مفصل‌تر بنویسـد: «از قدیم الایـام تـا امروز تمام مـردم علیه آموزش و پرورشی که بدان عمل می‌شده اسـت، اعتراض کرده‌اند، ولی هیچ‌کس درصدد برنیامده اسـت کـه روش بهتری پیشنهاد کند. علما و ادبای عصر ما بیشتر می‌کوشـند خراب کنند تا آبـاد. با وجود انتشار این همه رساله گوناگون، هیچ‌کس درباره طرز تربیت کردن آدم، چیزی ننوشته اسـت و من نگرانم که مبادا بعد از من هم کس دیگری درباره آن چیزی ننویسـد».

وی که در این کتاب، خود را مربی کودکی یتیم تصور کرده است، اورا «امیل» می‌نامد و در فصول مختلـف کتاب (پنج بخش) از دوران نوزادی وی شروع می‌کند و به جوانی و ازدواجش می‌رسد و در همه این مراحل، بیش از هر چیزی بر ضرورت بازگشـت به طبیعت و دوری از عادات غلط اجتماعی تأکید می‌کند.

هر چند این کتاب را به‌طور طبیعی نمی‌توان اثری مطلق و بی‌عیب دانسـت -و جدا از ایرادهایی که از زندگی شخصی و خانوادگی و مسائل اخلاقی روسو گرفته‌اند، انتقادهایی هم به متن این کتاب وارد شـده اسـت- در عین حـال همچنان اهمیـت و ارزش آن در جای خود محفوظ است.

روسو که بیش از هر چیزی به تعقل و اندیشیدن اصالت می‌داد، بسیار عملگرا بود و می‌گفت: «آدمـی وقتی بیش از حد متوسل به کلمات می‌شـود، پیداست که نمی‌تواند دست به عمل بزند» و از همین رو مسـیر تربیت فرزنـدان را در میدان عمل جست‌وجو می‌کرد و معتقد بود که پدران و مادران و مربیان باید به‌جای سخن گفتن و موعظه کردن، خود رفتاری شایسته داشته باشند. او باور داشت «کسی که نمی‌تواند وظایف پدری را انجام دهد، حق ندارد پدر شود.» و می‌گفت: «از مادران شروع کنید، آن‌وقت از تغییراتی که حاصل می‌شـود، تعجب خواهید کرد.»

بسیاری از مبانی فکری او کاملا بر باورهای اسـلامی منطبـق اسـت؛ ماننـد توجه به فطرت و نقش انسـان در تخریب نظام طبیعی جهان. به‌عنوان مثـال وی در این کتاب نوشته است: «هرچه از ید خالق عالم -جل‌شأنه- بیرون می‌آید، از عیب و نقص مبراسـت، ولی به محض اینکه به دسـت اولاد آدم رسـید، فاسد می‌شود» که دقیقا بر مضمون آیه شـریفه «ظهر الفسـاد فی البر و البحر» انطباق دارد. او در موضوعات اعتقادی و دینی، والدین و مربیان را تنها به تمرکز بر بنیان و اسـاس مشترک ایمان به وجود خالق مطلق و پرورش باورهای معنوی و فطری عمومی در دوران کودکی توصیه می‌کند و ترجیح می‌دهد مسـائل فرعی و جزئیات به سـال‌های پـس از نوجوانی واگذار شود.

ترجمـه فارسـی مرحـوم غلامحسـین زیـرک‌زاده از ایـن کتاب (سـال ۱۳۲۸)، را تاکنون بارها ناشـران مختلـف به چاپ رسـانده‌اند و همچنـان در بـازار نشـر، خوانندگان و مشتاقان خود را دارد.

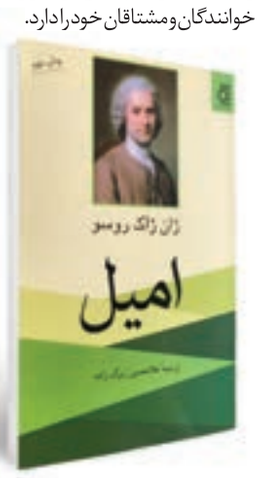

روزنامـه فرهنگـی- اجتماعـی- اطلاع رسـانی
صاحـب امتیـاز: شـهرداری مشـهد
مدیر مسئول و سردبیر: سـید هـادی فیاضی
نشـانی: میـدان شـهدا، نبش دانشـگاه ۱
دفتـر مرکـزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمـابـر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامـه شـهر امید و زنـدگی
SHAHRARANEWS.IR
۵شنبـه
۱۳ ۰۹ ۹۹
۳۶ صفحه: ۸ صفحـه + ۴ صفحـه ورزشی
+۴ صفحـه هـزار داسـتان + ۸ صفحـه شـهرآرا محله
+۸ صفحـه ۷شـنبه + شـماره ۳۲۶۵ | ۱۰۰۰ تومان
میثـاق‌نامه اخـلاق حرفـه‌ای
Photoshahr.ir

حدیث روز

هرکس آبروی برادر مسلمانش را حفظ کند، بدون تردید بهشت بر او واجب شود.

حضرت محمد(ص)

رطوبت هوا ۶۸٪
۴° ↓ ۱۵° ↑
صبح ۶°
ظهر ۱۳°
عصر ۱۰°
شب ۷°

اذان ظهر ۱۱:۲۱
غروب آفتاب ۱۶:۱۵
اذان مغرب ۱۶:۳۶
نیمه شب شرعی ۲۲:۳۶
اذان صبح فردا ۴:۵۶
طلوع آفتاب فردا ۶:۲۷

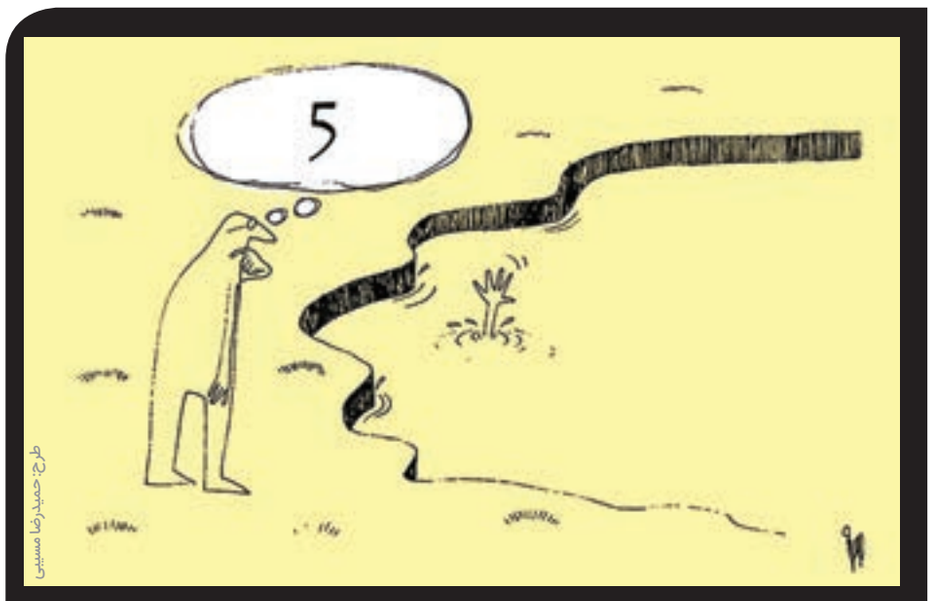

طرح: حمیدرضا مسیبی

آی آدم‌ها...

طرح آخر

سارا رنگیان

انگار این روزها همدیگر را فراموش کرده‌ایم. دیگر گذشت آن روزها که حرف هم را می‌فهمیدیم و درد دیگری، درد خودمان بود. می‌دانی، انگار نیما یوشیج علم غیب داشت که در حال‌وهوای آذرماهی ۷۹ سال پیش، شعری نوشت که عجیب هم‌قدوقواره حال این روزهایمان است. گویی می‌دانست روزهایی می‌رسد که گنگ می‌شویم برای هم و دست‌وپا زدن آدم‌ها در مشکلات، برایمان مفهومی ندارد:

«آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید/ یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان
یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند/ روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید
آن زمان که مست هستید از خیال دست یابیدن به دشمن/ آن زمان که پیش خود بیهوده پندارید
که گرفتستید دست ناتوانی را/ تا توانایی بهتر را پدید آرید
آن زمان که تنگ می‌بندید/ بر کمرهاتان کمربند
در چه هنگامی بگویم من؟/ یک نفر در آب دارد می‌کند بیهوده جان، قربان
آی آدم‌ها که بر ساحل، بساط دلگشا دارید/ نان به سفره، جامه‌تان بر تن
یک نفر در آب می‌خواند شما را/ موج سنگین را به دست خسته می‌کوبد
باز می‌دارد دهان با چشم از وحشت دریده/ سایه‌هاتان را از راه دور دیده
آب را بلعیده در گود کبود و هر زمان بی‌تابی‌اش افزون/ می‌کند زین آب‌ها بیرون
گاه سر، گه پا آی آدم‌ها/ او ز راه دور این کهنه جهان را باز می‌پاید
می‌زند فریاد و امید کمک دارد/ آی آدم‌ها که روی ساحل آرام، در کار تماشایید!
موج می‌کوبد به روی ساحل خاموش/ پخش می‌گردد چنان مستی به جای افتاده، بس مدهوش
می‌رود نعره‌زنان، وین بانگ باز از دور می‌آید: آی آدم‌ها....
وصدای باد هر دم دلگزاتر/ در صدای باد بانگ او رساتر
از میان آب‌های دوری و نزدیک/ باز در گوش این نداها
آی آدم‌ها»

به‌پا تاجمون نیفته!

درباره سریال «تاج» و نگرانی‌هایی که برای خاندان سلطنتی بریتانیا پدید آورده است

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

سـال‌ها پیش، ماریون کرافورد، دختری که قصد داشت برود و در محله‌های فقیرنشین لندن تدریس کند، دست بر قضا می‌شود آموزگار خواهران عضو خاندان سـلطنتی انگلیس، یعنی الیزابت دوم یا همان ملکه کنونی بریتانیا که به لی‌لی‌بت معروف بود و شـاه‌دخت مارگارت. ماریون ۱۷ سال در کنار آن‌ها بود و بعد از آن، تصمیم گرفت درباره آنچه در این مدت دیده و شنیده بود، کتابی بنویسد و همین کار را هم کرد. «شاهزادگان کوچک» یا «شاه‌دختان کوچک» عنوان کتابی بود که او نوشت و انتشارش باعث شد بعد از مدت‌ها حضور در خاندان سلطنتی، از میان آن‌ها طرد شـود؛ به‌دلیل اینکه چیزهایی که در کتابش بیان کرده بود و ماحصل حشرونشر طولانی مـدت او بـا دو عضـو از اعضـای خاندان سلطنتی بود، از آن فضای اشرافی، فرش‌های قرمز پهن‌شده، زرق‌وبرق‌ها و اصل دودمان پادشاهی این خاندان، فاصله گرفته بـود و از الیزابت و مارگارت، شکل‌وشمایلی را نشان داده بود که طبیعی بود، اما در خور شاه‌دختان خاندان سلطنتی نبود که همین امر، نگرانی فوق‌العـاده‌ای را به خانواده آن‌ها تزریق کرد؛ نگرانی‌ای که البته با سبک زندگی سلطنتی عجین شده و این مرتبه بعد از مدت‌ها باعث شده بود که وزیر فرهنگ بریتانیا نه به یک کتاب بلکه به یک سریال خرده بگیرد؛ سریال «تاج» یا همان The Crown. سریالی که تاکنون چهار فصل آن ساخته شده اسـت، از نوامبر ۲۰۱۶ پخش آن آغاز شده و زندگی خاندان سلطنتی بریتانیا را دستمایه خود قرار داده اسـت. حالا اما الیور دودن، وزیر فرهنگ بریتانیا، خواستار شده است که شرکت نت‌فلیکس به‌عنوان تولیدکننده و پلت‌فرمی که این سریال را عرضه می‌کند، در ابتدای هر قسمت اعلام کند که این مجموعه خیالی اسـت و علت درخواستش را این‌چنین توضیح داده است: «بدون چنین کاری، بیم آن می‌رود که بینندگان جوان‌تری که خودشان در زمان این رویدادهای تاریخی زندگی نکرده‌اند، داستان را با واقعیت اشـتباه بگیرند.» نکته‌ای که پیش از این ارل اسپنسر، برادر شاهزاده دایانا، هم به آن اشاره کرده و گفته بود: «فکر می‌کنم مفید است که در ابتدای هر قسمت از سـریال تاج بگویند آن داستان واقعی نیست، اما حول‌وحوش رویدادهای واقعی ساخته‌وپرداخته‌شده است.» این نگرانی‌ها تا جایی پیش رفته اسـت که خیلی هـا می‌گویند خود پرنس چارلز به‌عنوان یکی از اعضای خاندان سلطنتی، اصلا تمایلی به تماشای این سریال ندارد. تمام این حاشیه‌ها در حالی است که نت‌فلیکس از پیش اعلام کرده است که قرار نیست هر چه در این سریال نشان داده می‌شود، عین رویدادهای دنیای واقعی باشـد. با این حال، ظاهرا هیچ‌کدام از این گفته‌ها برای خاندان سلطنتی بریتانیا و دلواپسان آن، کفایت نکرده است که حالا نت‌فلیکس باید این نکته را در آغاز هر قسـمت از سریال به بینندگانش گوشزد کند. فصل کنونی و چهارم سریال تاج درباره رویدادهای اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ اسـت که بیشتر حول زندگی پرنسس دایانا، همسر سابق پرنس چارلز، ولیعهد این کشور می‌چرخد. بدنیست بدانید که نخسـتین فصل این مجموعه، بیشتر از ۱۰۰ میلیون دلار هزینه برداشـت و پرهزینه‌ترین مجموعه‌درام این شرکت به‌شمار می‌رود.

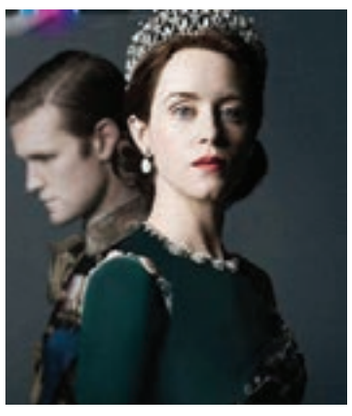

تاباندن نور به الماس چرخان

امیرمنصور رحیمیان

دیگران

من آدم حواس‌پرتی هستم. اسـم‌ها و خط‌وربط‌شـان بـه موضوعـات، خیلـی زود از خاطـرم پـاک می‌شـوند. شـخصیت‌ها و تکیه کلام‌هایشـان را فرامـوش می‌کنم و گاهی یـک فیلم را باید تا اواسطش ببینم تا یادم بیاید دارم برای چندمین‌بار تماشـایش می‌کنم. همین اتفاق در خوانـدن کتاب‌ها هم می‌افتد. اسم‌هاشـان یادم نمی‌ماند. گاهی باید تـا فصل دومـش بخوانم تا یـادم بیایـد کـه قبـلا ایـن کتـاب را خوانده‌ام. خیلی کم پیش می‌آید که در جواب «آخرین کتابی که خوانده‌ای و آخریـن فیلمی که دیـده‌ای چی بوده اسـت»، پاسـخ دندان‌گیری در چنته داشـته باشـم. همیشـه هم به خودم دلـداری می‌دهـم کـه: «مغـزم طی فرایندی خـودکار، اطلاعات بیهوده را نگهداری نمی‌کند و انباشت اسامی هم اطلاعات بیهوده است!» ولی واقعیت این اسـت که دچـار آلزایمـر زودرس شده‌ام. مغزم پیر شده است، تاجایی که بعضی‌وقت‌ها اسم خودم را هم فراموش می‌کنم. هرقدر زور بـه کله‌ام می‌آورم، کمتر نتیجه می‌گیرم. من را تصور کنید؛ از وقتـی برگـه امتحـان را گرفتـه‌ام، نیم‌ساعت گذشته است. ته خودکار را آن‌قدر جویـده‌ام که هیـچ اثری از ش نمانده است و حتی به سـوال اول هم نرسـیده‌ام. گیر اسـم و فامیل کوفتی خودم هستم. ولی در همان لحظات که هیچ اسـمی را به خاطر نمی‌آورم، اسم دو نفـر را نمی‌توانـم فرامـوش کنـم؛ اسـم‌هایی که انگار روی سنگ، کنده شـده‌اند و قرار نیسـت با آلزایمر و این قبیل سوسول‌بازی‌ها، پاک شوند. انگار یک نفر ایستاده اسـت و در حالی که به صورتم سـیلی می‌زند، آن‌هـا را تکرار می‌کند: «چارلـی چاپلین» شـترق، «بروس لی» شـترق... از آقـای نابغه سینما، چاپلین که بگذریم، تقریبا همه می‌دانند که بـروس لی فقیـد چه‌کار می‌کرد و به چه چیزهایی معروف بود. زمانی بـرای خودش اسـطوره بود و ما برای پیروزی اژدهای چینی در مقابل غول‌تشـن‌های آمریکایی و انگلیسی، هورا می‌کشیدیم. نسل‌های جدید هم با شخصیت او در بازی‌های کامپیوتری آشنا هسـتند. ولی آدم‌ها مثل الماس تراش‌خورده هستند. هزار وجه دارند و از هر طرف که بهشان نگاه کنیم، نور را یک طور می‌شـکنند. مثـلا اگر بگویم «استاد محمدرضا شجریان» خدابیامرز در مسابقه دووميدانی شـرکت کرده و مـدال کشـوری گرفتـه اسـت، بـاور می‌کنید؟ یـا مثـلا بگویم یـک خانم باستان‌شناس فرانسوی که قدیم‌ترها به ایران آمده بوده و کلی ضرر و زیان هم به تاریخ ایـن مملکت زده، یـک نقاش و طراح در جه‌یک بوده است به نام مادام ژان دیولافوا؟

حالا اگـر بگویم بـروس لـی علاوه بر مشـت و لگدپرانی‌اش، شعر می‌گفته، استاد فلسـفه بوده و نقاشی و طراحی هم می‌کرده اسـت، چی؟ حق دارید. باور کردن بعضی چیزها سخت است. برای ما کـه اطلاعات بیخـود را حذف می‌کنیم، نگه داشتن اطلاعات از یک وجه الماس آدم‌ها هم دشـوار اسـت. همان طرفی را می‌بینیم که نشـانمان می‌دهنـد. دیگـر نمی‌رویم سـراغ آن طرف‌های دیگرش. خیلـی که همت کنیم، المـاس وجـودی خودمـان را بشناسیم، تاباندن نور به وجوه مختلف دیگران، پیشکش!

بروس لی، همه این‌ها را زیر سـایه و حول محـور اولیـن و بزرگ‌ترین اسـتعدادش انجام می‌داد. «کونگ‌فـو» آن‌هم از نوع «جیـت کان دو»اش که قصد نـدارم وارد جزئیاتش بشوم و البته چیز زیادی هم از آن نمی‌دانم. درعوض می‌خواهم از طراحی صحبت کنم که دست بر قضا، کونگ‌فوکار ماهری هم بـود. او در طرح‌هایش چنان بادقت پیچـش و نوع قرارگیری دسـت و پا را کشـیده است که می‌شـود حرکت را شبیه‌سازی کرد. او چنان با ظرافت نقاشی کرده که حتی فرم قرار گرفتن انگشـتان دسـت و جهت دادن و چرخـش آن‌ها را هم در طرح‌هایش، مشخص کرده است. به‌نظر، قبل از هر فیلم، او تمام صحنه‌های مبـارزه را به‌صـورت اسـتوری‌بورد برای خودش می‌کشیده و از روی آن‌ها حرکات پیچیده رزمـی را انجام می‌داده اسـت، حتـی در آخریـن حضورش در سـینما (بـازی مـرگ Game Of Death) قبل از مرگش هم در حال طراحی بوده اسـت. بعد این مایلم آقای لی را -که اگر زنده بود، هفته گذشته باید شـمع ۷۳ سالگی اش را فوت می‌کـرد- این‌طور به یـاد بیاورم: «کونگ‌فوکار، فیلسوف، شـاعر، طراح و بازیگری که الماسـش در حال چرخیدن بود.»

حکایت برجام و مخالفانش

ادامه یادداشت روز از صفحه یک

... حتی آثار مثبتی هم در زمینه‌های اقتصادی و اعتبار بین‌المللی برای کشورمان به همراه آورد و به‌ویژه در حوزه مسائل اقتصادی، این اثرگذاری مشهود بود. امروز کمتر کسی است که منکر تأثیر سیاست خارجی بر اوضاع اقتصادی ایران باشد. بحران‌ها و تنش‌های موجود در روابط ایران با قدرت‌های جهانی اثرات مخربی در اقتصاد کشور و معیشت مردم داشته اسـت. بنابراین تردیدی نیست که هرگونه گشایش و عادی‌سازی در روابط خارجی ایران می‌تواند تأثیر مثبتی بر اقتصاد کشورمان بر جای گذارد. حال در چنین وضعیت خطیری که منافع و مصالح کشـور در گرو عقلانیت در سیاست خارجی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی است، تلاش برخی نیروها و جریان‌های داخلی برای نابودی برجام واقعا چه توجیهی دارد؟! نکته دیگر اینکه اگر برجام نافی اقتدار ملی و مصالح نظام است، پس چرا تا این حد مغضوب دشمنان قسم‌خورده ایران بوده است؟! چرا اسرائیل، دولت سعودی و محافظه‌کاران آمریکا از توفیق و به نتیجه رسیدن برجام به حدی وحشت‌زده‌اند که حاضرند برای جلوگیری از اجرای آن، قوانین مسلم حقوق بین‌الملل را نقض کنند و حتی به تروریسم متوسل شوند؟! این‌ها سؤال‌هایی است که مخالفان داخلی برجام باید پاسخ دهند. افکار عمومی و ملت شریف ایران امروز نظاره‌گر اعمال سیاست‌پیشگان هستند. مردم قضاوت خواهند کرد که چه کسانی به‌راستی دغدغه منافع ملی و مصالح کشور و نظام را دارند و چه کسانی هم فقط به‌دنبال منافع جناحی و سیاسی خود هستند و می‌خواهند از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به رقیب سیاسی خود بهره‌برداری کنند. مخالفان داخلی برجام باید متوجه باشند که در معرض آزمون سختی قرار گرفته‌اند. آزمونی حساس که می‌تواند در اعتبار، مشروعیت و آینده سیاسی آنان تعیین‌کننده باشد. آن‌ها باید مراقب باشند که ناخواسته در زمین دشمن بازی نکنند، با دشمن هم‌صدا نشوند و سرنوشت کشور و نظام را با ماجراجویی‌های سیاسی خود به مخاطره نیندازند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗
چرا برخی هنوز حاضر نیستند در کوچه و خیابان ماسک بزنند و فاصله اجتماعی را رعایت کنند؟؟؟؟؟

ویراسته ✓
چرا برخی هنوز حاضر نیستند در کوچه و خیابان ماسک بزنند و فاصله اجتماعی را رعایت کنند؟

نکته
چند نشانه پرسشی، پرسش را غلیظ‌تر نمی‌کند؛ یک نشانه کافی است.

#زین_قند_پارسی

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید

برگزاری اولین کنفرانس اسلامی فلسطین در تهران

تاریخ‌نگار

۱۳ آذر ۱۳۶۹

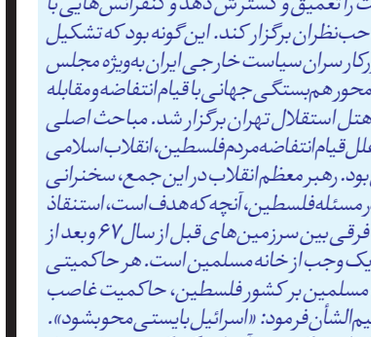

رضا سلیمان نوری

داستان همراهی مردم ایران با مبارزات مردم فلسطین از مسائلی است که به سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در آن دوران هر چند حکومت حاکم بر ایران روابط در خور توجهی با رژیم تصاحب‌کننده سرزمین فلسطین داشت، مردم دل خوشی از این روابط نداشتند و هرگاه فرصت اظهار نظر پیدا می‌کردند، به مخالفت با آن می‌پرداختند. درست به همین دلیل بود که در دوران مبارزه مردمی برای خلع خاندان پهلوی از قدرت و ایجاد حکومت اسلامی، یکی از شعارهای مهم مردمی درکنار درخواست حذف خاندان پهلوی از صحنه سیاسی کشور و درست برابر با درخواست قطع رابطه با آمریکا، درخواست قطع رابطه با رژیم صهیونیستی بود. این امر در سال‌های بعد از پیروزی نه‌تنها جزو شعارهای اجتماع‌های گسترده مردمی باقی ماند، بلکه جلوه بیشتری هم یافت، تاجایی که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، نام روز «قدس» به خود گرفت. برخی مبارزان ایرانی هم تا پیش از آغاز جنگ تحمیلی ضمن حضور در اردوگاه‌های گروه‌های مختلف چریکی، خود را برای مبارزه درکنار آنان با دشمن مشترک آماده می‌کردند. به پاس این همراهی‌ها بود که یاسر عرفات، رهبر وقت جبهه آزادی‌بخش فلسطین که در آن زمان، نماد مبارزه با اشغالگران در جهان شناخته می‌شد، در نخستین ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با حضور در تهران، به دیدار بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی رفت و بدین‌گونه همراهی مبارزان فلسطینی با مبارزان ایرانی را اعلام کرد. البته با وجود همه این مسائل، وقوع جنگ تحمیلی و برخی موضع‌گیری‌های شخصیت‌های فلسطینی در طول این جنگ، خاصه خود عرفات، شرایط را به‌گونه‌ای سوق داد که مسئولان جمهوری اسلامی ایران نتوانستند در پی عملی کردن خواسته‌هایش برای آینده فلسطین، اقدام عملی خاصی را انجام دهند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه نمایندگان سومین دوره مجلس شورای اسلامی در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۹ قانونی را تحت عنوان «قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» تصویب کردند. این قانون ضمن اعلام حمایت و دفاع مردم و دولت کشورمان از مردم ستمدیده و آواره فلسطین، هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی را موظف کرد تا از طرق مختلف، این حمایت را تعمیق و گسترش دهد و کنفرانس‌هایی با شرکت نمایندگان کشورهای اسلامی و صاحب‌نظران برگزار کند. این گونه بود که تشکیل اولین کنفرانس اسلامی فلسطین در دستورکار سران سیاست خارجی ایران به‌ویژه مجلس قرار گرفت؛ کنفرانسی که در ۱۳ آذر ۱۳۶۹ با محور هم‌بستگی جهانی با قیام انتفاضه و مقابله با ادامه مهاجرت یهودیان به فلسطین، در هتل استقلال تهران برگزار شد. مباحث اصلی بررسی شونده در این کنفرانس، شامل ابعاد و علل قیام انتفاضه مردم فلسطین، انقلاب اسلامی فلسطین و تأثیر تحولات منطقه بر فلسطین بود. رهبر معظم انقلاب در این جمع، سخنرانی کردند و در بخشی از سخنانشان فرمودند: «در مسئله فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاذ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمین‌های قبل از سال ۶۷ و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم‌الشأن فرمود: «اسرائیل بایستی محو بشود». یهودی‌های فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول می‌کنند، در آنجا زندگی کنند. بحث، بحث یهودستیزی نیست. مسئله، مسئله غصب خانه مسلمین است. رؤسا و زعمای مسلمین، اگر تحت تأثیر قدرت‌های جهانی قرار نداشتند، می‌توانستند این مهم را انجام بدهند، ولی متأسفانه نکردند.»